

Futurism of the Yemeni Crisis Based on Actor-Analysis Method

Mohammad Javad Fathi*

Ph.D. Student in Political Science, Shahed University, Tehran, Iran(*Corresponding Author*)F.mjavad@yahoo.com

Ayyub Nikunahad

Ph.D. Student in Political Science, Shahed University, Tehran, Iran.
anikunahad@gmail.com

Seyyed Mahmood Aghaei Firoozabadi

Ph.D. in Futures Studies, SNDU, Tehran, Iran.
aghaei.coom@gmail.com

Abstract

Objective: The developments in Yemen have become one of the most complex crises in the strategic region of West Asia due to the intervention of various actors, and therefore, reaching a point of equilibrium will be a long-term process. In the current situation, none of the actors intend to moderate their basic interests. Futuristic research on the crisis is a priority and important issue. The aim of the present study is to answer the question of what are the future scenarios of the Yemeni crisis?

Method: Due to the multiplicity of actors and their different interests, the method of analyzing actors and explaining their interests will be suitable for presenting possible, probable and desirable scenarios. The study also used an expert panel and a Delphi interview.

Results: The study shows that seven scenarios can be counted for the future of the crisis: periodic crisis (a situation between fire and war), the end of the crisis and the formation of a strong central government (the best possible situation), the continuation of the war and the disintegration of Yemen (worst case scenario), federalism and division Yemen's climate system, Ansarullah's superiority, the formation of a government and the failure of the Hebrew-Arab-Western coalition, the superiority of the Hebrew-Arab-Western front, and finally the defeat of Ansarullah and Lebanonization.

Conclusion: The main actors in the Yemeni crisis, including Iran, Ansarullah, Saudi Arabia, the United Arab Emirates, Israel, the United States, Russia, China, Britain and France, each considers one of the mentioned scenarios to be desirable/undesirable according to the interests and goals they have set for themselves. Therefore, the efforts of all actors are to direct the crisis towards their desired scenario.

Keyword: Yemen, Iran, America, Saudi Arabia, Futures Studies.

آینده‌پژوهی بحران یمن بر اساس روش تحلیل بازیگران

محمدجواد فتیحی*

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش آینده‌پژوهی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، دانشکده علوم انسانی،
(نویسنده مسئول) F.mjavad@yahoo.com

ایوب نیکونهاد

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش آینده‌پژوهی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، دانشکده علوم انسانی،

anikunahad@gmail.com

سید محمود آقایی فیروزآبادی

دانش‌آموخته دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه عالی دفاع ملی aghaei.coom@gmail.com

چکیده

هدف: تحولات یمن به واسطه مداخله کنشگران متعدد به یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های منطقه راهبردی غرب آسیا تبدیل شده است و به همین دلیل رسیدن بحران به نقطه تعادل پروسه‌ای بلندمدت خواهد بود؛ در شرایط کنونی هیچ‌کدام از بازیگران قصد تعدیل منافع اساسی و اصلی خود را ندارند. جستار آینده‌پژوهانه پیرامون بحران، مسئله‌ای اولویت‌دار و حائز اهمیت است. هدف پژوهش حاضر پاسخگویی به این پرسش است که سناریوهای آینده بحران یمن کدام‌اند؟

روش پژوهش: با توجه به تعدد بازیگران و منافع متفاوت آن‌ها، روش تحلیل بازیگران و تبیین منافع آنها، جهت ارائه سناریوهای ممکن، محتمل و مطلوب، مناسب خواهد بود. این پژوهش همچنین از پنل خبرگانی و مصاحبه دلفی بهره گرفته است.

یافته‌ها: مذاقه صورت گرفته نشانگر این است که هفت سناریوی بحران ادواری (وضعیتی بین آتش‌بس و جنگ)، خاتمه بحران و تشکیل حکومت مرکزی قدرتمند (بهترین حالت ممکن)، ادامه جنگ و تجزیه یمن (بدترین حالت ممکن)، فدرالیسم و تقسیم یمن به نظام اقلیم‌ها، تفوق انصارالله، تشکیل حکومت و ناکامی ائتلاف عبری - عربی - غربی، تفوق جبهه عبری - عربی - غربی و شکست انصارالله را می‌توان برای آینده بحران برشمرد. نتیجه‌گیری: کنشگران اصلی دخیل در بحران یمن از جمله ایران، انصارالله، عربستان، امارات، اسرائیل، امریکا، روسیه، چین، انگلیس و فرانسه هرکدام با توجه به منافع و اهدافی که برای خود مطرح کرده‌اند، یکی از سناریوهای مذکور را برای خود مطلوب/نامطلوب می‌دانند. از همین روی تلاش جملگی کنشگران این است که روند بحران را به سمت سناریوی مطلوب خود جهت‌دهی کنند.

واژگان کلیدی: یمن، ایران، امریکا، عربستان، آینده‌پژوهی.

مقدمه

طی چند دهه اخیر تحولات محیطی در منطقه غرب آسیا به صورت شتابان در حال رخ دادن هستند، این رخدادها سیستمیک بوده و منطق سرریز بر آن‌ها حاکم است، وقوع یک حادثه بر منافع تمام واحدهای سیاسی فرمانطقه‌ای و منطقه‌ای ذی‌نفع تأثیر می‌گذارد. در همین رابطه جهت‌شناسی رویدادها و روندهای آینده تحولات ضروری است. در حال حاضر کشور یمن از زمره کانون‌های بحرانی مهم است که از موقعیت راهبردی در گستره جهان برخوردار است. معرفی سناریوهای بدیل آینده جایگاه یمن در معادلات منطقه‌ای، موانع، محدودیت‌ها، نقاط قوت و نقاط ضعف و مشخص ساختن سناریوهای مطلوب و نامطلوب هرکدام از طیف‌های درگیر در یمن اهمیت حیاتی دارد. شایان‌ذکر است که گذشته تحولات یمن و جریان‌های تأثیرگذار و همچنین مداخله پیشران‌های خارجی به صورت تاریخ مکتوب در دسترس است و می‌توان با آن ارتباط برقرار ساخت، ولی آینده قطعی و امری ناملموس بوده و صرفاً می‌توان گمانه‌زنی‌های داستان محور را در خصوص آن مطرح ساخت، همین بدیل‌ها می‌تواند مبنایی جهت روشن‌سازی و آگاهی بخشی به طیفی از تصمیم‌گیرندگان مسائل راهبردی جهت آماده‌سازی و انجام برنامه‌ریزی‌های آینده محور با هدف عدم غافلگیری در برابر شرایط شتابان باشد. با توجه به اینکه بازیگران درگیر در بحران یمن متعدد بوده و هر یک منافع خود را در این بحران تعقیب می‌کنند. منافع این بازیگران در واقع شاکله و سازه‌های اصلی سناریوهای آینده بحران هستند. نکته دیگر اینکه سناریونویسی یک فرایند سیستمیک است و جهت تجسم و ترسیم بدیل‌های پیش روی یمن در ابتدا باید بازیگران مؤثر را شناسایی کرد. در خصوص اهمیت و ضرورت تحقیق باید بیان داشت که اگرچه در شرایط کنونی اهمیت گستره یمن برای ایران بیشتر از سوریه نباشد، بلا تردید کمتر از آن نیست، زیرا این کشور با واقع شدن در کرانه‌های خلیج عدن و تنگه راهبردی باب‌المندب نقش زیادی در امنیت دریانوردی ایران، صادرات و واردات انرژی و کالا به نقاط محوری دنیا به‌ویژه قاره‌های افریقا و اروپا دارد؛ بنابراین، وضعیت نگران‌کننده‌ای در خصوص آینده جایگاه یمن در معادلات منطقه‌ای حاکم است و نباید نسبت به آن اهمال و غفلتی صورت بگیرد؛ درخور توجه است که با قرارگیری یمن در زمره متحدان جبهه واحد عربی، غربی و عبری در بلندمدت، تنگه هرمز به‌مثابه شریان حیاتی ایران بلا استفاده خواهد شد، زیرا با تسلط این جبهه بر تنگه باب‌المندب این بار چنین کشورهایی هستند که استفاده‌کنندگان از این شاهراه حیاتی را تهدید به مسدودسازی تنگه می‌کنند و عملاً تهدید ایران مبنی بر بستن تنگه هرمز نوعی تهدید خویشتن و تحریم کشورهای شرق آسیا قلمداد می‌شود تا اینکه کشورهای غربی و عربی رقیب از این مسئله متضرر گردند. سؤال اصلی پژوهش این است که سناریوهای آینده بحران یمن کدام‌اند؟ در پژوهش پیش رو پس از بررسی تمهیدات نظری، بازیگران کلیدی نقش‌آفرین در بحران یمن، در ذیل فراز دوم سناریوهای مترتب بر آینده بحران یمن بررسی می‌شوند. مروری بر

پیشینه پژوهشی پیرامون این موضوع نشان می‌دهد آینده بحران یمن و وضعیت‌های احتمالی که مردم این کشور، کنشگران دخیل و ذی‌نفع با آن مواجه خواهند شد از زمره مسائل و دغدغه‌های بسیاری از مفسران سیاسی، محافل دانشگاهی و اندیشگاهی بوده است و در این زمینه تلاش‌های صورت گرفته است. حتی برخی در چهارچوب روش سناریوپردازی به بحث پرداختند و از سناریوهای مطلوبی چون پایان منازعه و آغاز مذاکرات صلح و تداوم منازعه تا تسلیم حوثی‌ها و سناریوهای احتمالی چون پذیرش فدرالیسم و تجزیه یمن به دو کشور و سناریوی باورپذیر (ممکنی) چون قدرتمند شدن القاعده و داعش و ایجاد امارت اسلامی در یمن اشاره داشتند (علیپور و دیگران، ۱۳۹۷).

۱. مبانی نظری

تحلیل بازیگر/ذینفع در آینده‌پژوهی

یکی از روش‌های آینده‌پژوهی مسائل در پارادایم مشارکت‌گرایانه این علم بر اساس تحلیل جایگاه بازیگر/ذینفع است (And others, 2009: 193 Reed). منطق روش تحلیل بازیگر بر این مبنا استوار است که مسائل سیاست و فرایندهای سیاست شامل بازیگران متعددی می‌شوند، زیرا هیچ بازیگر منفردی وجود ندارد که بتواند به صورت یک‌جانبه راه‌حل مطلوبی را به دیگران تحمیل کند؛ بنابراین، برخی اشکال همکاری بین طرف‌ها نیاز است، زیرا بازیگران به هم وابسته هستند. تحت چنین شرایطی دانستن اینکه چه کسی دیگران است و درک اهداف و انگیزه‌های آن‌ها برای مشارکت کردن یا نکردن، برای حل مسئله حیاتی است. در خصوص ضرورت استفاده از تحلیل بازیگر در ادبیات سیاست‌گذاری می‌توان گفت که، تحلیل بازیگر به صورت فرایندی برای کسب اطلاعات درباره عوامل مرتبط به هم در یک مسئله/رویداد دیده می‌شود تا رفتار، منافع، برنامه‌ها و تأثیر بازیگران بر فرایندهای تصمیم‌گیری را درک کنند. در مطالعات آینده‌پژوهی روش تحلیل بازیگر از آن جهت کاربرد دارد تا به‌طور مؤثرتری جایگاه هر یک از بازیگران مورد بررسی قرار گرفته و موجب پیاده‌سازی روشن‌تر تصمیمات یا اهداف شده و متن سیاست را درک کرده و امکان‌سنجی گزینه‌های سیاست آینده را بررسی کنند (Brugha and Varvasovszky, 2000: 69). در روش تحلیل بازیگر پژوهشگر سعی دارد تا میزان منافع و نفوذ بازیگران در یک رویداد را شناسایی و روابط بین بازیگران و توانایی بالقوه آن‌ها برای ایجاد یک ائتلاف را مشخص کنند. همچنین تحلیل بازیگر کمک می‌کند تا منافع متناقض بازیگران مختلف در خصوص یک رویداد یا مسئله فهمیده و درک شود (Friedma and Miles, 2006: 234). درخور توجه است که کنش رفتاری بازیگران در خصوص یک رویداد حول چهار بُعد اصلی یعنی شبکه‌ها، برداشت‌ها، ارزش‌ها و منابع با یکدیگر همگرا می‌شوند (Mitroff, 1983: 15).

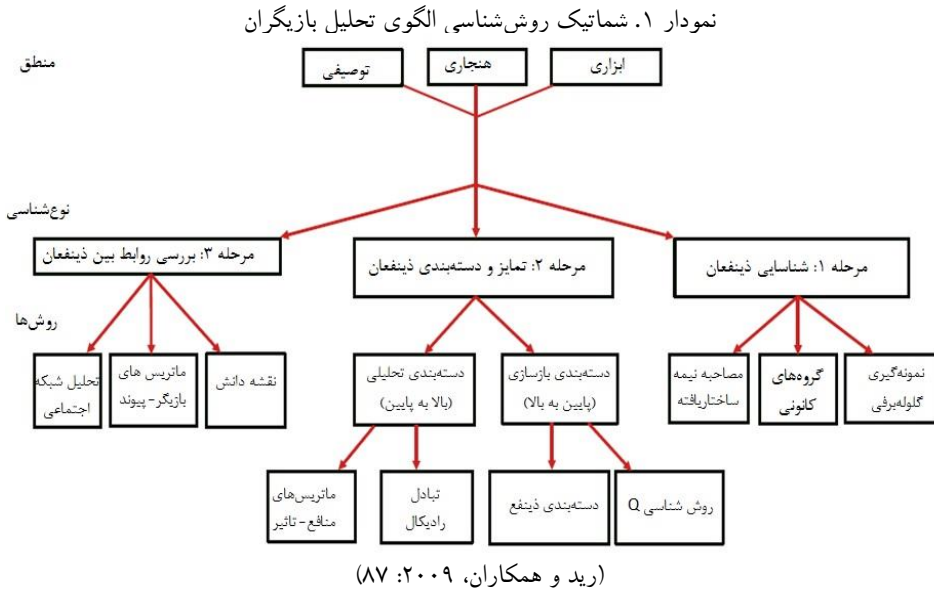
اگرچه روش‌های مختلف در الگوی تحلیل بازیگر گام‌های متفاوتی را دارند، اما به‌طور کلی می‌توان به قدم‌هایی اشاره کرد که در هر تحلیل که نیازمند شناسایی بازیگران (ذی‌نفعان) است باید طی شود. هرمانز و دیگران (۲۰۱۰) به شش گام در تحلیل بازیگر اشاره می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. تدوین مسئله به صورت یک نقطه آغاز؛
۲. تهیه فهرستی از بازیگران؛
۳. نمایش ساختار رسمی، وظایف رسمی، قدرت و روابط بازیگران و قوانین جاری؛
۴. تعیین منافع، اهداف و برداشت بازیگران از مسئله؛
۵. ترسیم وابستگی‌های درونی بین بازیگران با ایجاد فهرست‌هایی از منابع و درگیری بازیگران با مسئله؛
۶. تعیین پیامدهای این یافته‌ها با توجه به ساختار مسئله.

اصولاً ذینفعان بر اساس سهمی که در پدیده تحت بررسی دارند، شناسایی می‌شوند. چوالیر و باکلز^۱ (۲۰۰۸) فهرستی از روش‌های شناسایی بازیگران را معرفی می‌کنند که دربرگیرنده مواردی همچون شناسایی توسط کارشناسان یا سایر بازیگران؛ خودگزینی (در پاسخ به تبلیغات یا اطلاعیه‌ها)؛ از طریق سوابق مکتوب یا داده‌ها، از طریق کاربری‌های شفاهی یا مکتوب رویدادهای اصلی (شناسایی بازیگرانی که دخیل بودند)؛ یا استفاده از فهرستی از دسته‌های بازیگران احتمالی است. زمانی که بازیگران گروه‌بندی شدند با استفاده از تکنیک‌های مرتب‌سازی می‌توان آن‌ها را دسته‌بندی کرد.

در رابطه با تحلیل بازیگر روش‌های متعددی جهت تحلیل وجود دارد؛ اینکه در عرصه عمل چه روشی برای تحلیلگران سیاست مناسب است، به شرایط مسئله انتخاب شده بستگی دارد؛ از جمله این شرایط می‌توان به کیفیت تحلیلی، تمرکز روش، ابعاد و مفاهیمی که پوشش می‌دهد، جایگاه خروجی‌های تحلیل بازیگر در مجموعه بزرگ‌تری از فعالیت‌های تحلیل سیاست، زمان پروژه و مهارت‌های موجود اشاره کرد. در این پژوهش برای تحلیل جایگاه بازیگران در بحران یمن از نوع روش‌شناسی رید و همکاران استفاده شده است. نمای شماتیک روش‌شناسی انتخاب شده به شکل الگوی زیر نمایش داده شده است.

1. Chevalier and Buckles

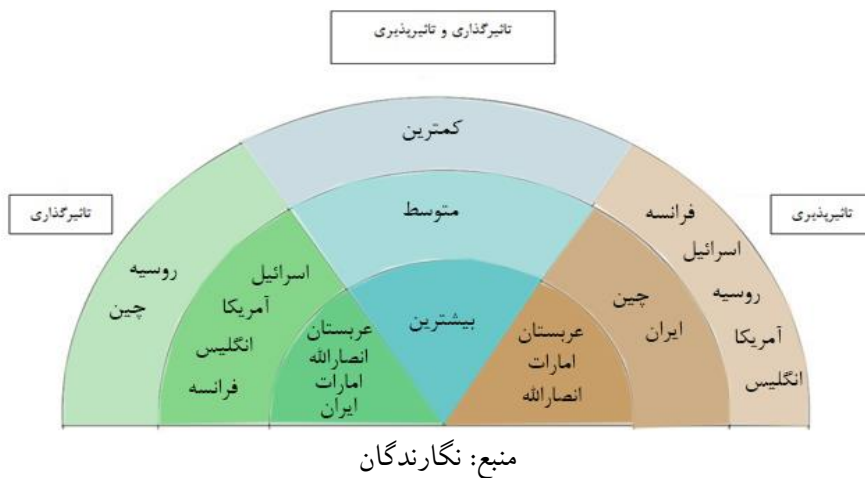


۲. بحران یمن: چرایی و چگونگی

آغاز بحران در کشور یمن، نگرانی‌های زیادی را در ریاض برانگیخت. سعودی‌ها که به تازگی بزرگ‌ترین متحد خاورمیانه‌ای خود را از دست داده بودند، با یک خطر دیگر در جنوب یمن و هراس از تسری این دگرگونی‌ها به خاک خود مواجه شدند. مضاف اینکه با ناآرامی‌های واقع در بحرین نیز مواجه شده بودند؛ بنابراین، پس از غلبه بر اعتراضات داخلی بحرین، در چهارچوب شورای همکاری خلیج فارس ابتکاری را برای حل و فصل بحران گسترده یمن مطرح ساخت (رستمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۸). از همان ابتدا حکام عربستان نسبت به این مسئله وقوف داشتند که چشم‌انداز مثبتی جهت پایداری نظام علی عبدالله صالح وجود ندارد، به همین خاطر درصدد پیشبرد سناریویی در یمن بودند که گزینه‌های همسو با خود و مشخصاً عبدربه منصور هادی را بر مستند قدرت قرار دهد؛ بنابراین، این کشور در روز ۲۶ مارس ۲۰۱۵ میلادی، با ادعای حمایت از عبدربه منصور هادی، رئیس‌جمهوری مستعفی یمن، در عملیاتی که از آن به‌عنوان طوفان قاطعیت و بازگشت امید نام برد، تهاجم هوایی علیه تمامیت ارضی یمن را آغاز کرد. دلایل این تهاجم به‌نحوی که در نامه ائتلاف عربی به رهبری عربستان خطاب به دبیر کل وقت ملل متحد و رئیس شورای امنیت سازمان ملل منعکس شده، عبارت بود از پاسخ به درخواست منصور هادی، رئیس‌جمهور یمن، برای حمایت از کشور و مردم آن در برابر تجاوز جنبش حوثی‌ها که همواره ابزار نیروهای خارجی بود. این حملات نظامی علیه یمن واکنش‌های متفاوت برخی سازمان‌ها و دولت‌ها را برانگیخت. برخی کنشگران از جمله امریکا، فرانسه، انگلیس و رژیم صهیونیستی

حمایت خود را از عملیات نظامی در یمن اعلام کردند. در مقابل، برخی از بازیگران منطقه‌ای از جمله روسیه، چین، ایران و عمان نیز نگرانی خود را از توسل به زور و مداخله نظامی در یمن ابراز داشتند. به هر صورت، کشورهای قطر، سودان، کویت، امارات و بحرین، کشورهای متحد عربستان سعودی در این حمله را تشکیل می‌دادند و مراکش، مصر و اردن نیز با تحویل تسلیحات نظامی در این حمله با ریاض همکاری می‌کردند. به نظر می‌رسد بحران یمن بیش از آنکه ماهیت ایدئولوژیکی مبنی بر جنگ بین وهابی‌ها و شیعیان زیدی داشته باشد ناشی از نگرانی‌های امنیتی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی است. ائتلاف سعودی، از ابتدای جنگ تاکنون، کشور یمن را به لحاظ دریایی، هوایی و زمینی محاصره کرده و مناطق مسکونی و مراکز نظامی را بمباران می‌کنند و بدین سبب غیرنظامیان و به‌ویژه کودکان، به‌طور پیوسته، قربانی حملات و بمباران جنگنده‌های ائتلاف به رهبری عربستان سعودی می‌شوند (منتظران، ۱۳۹۷: ۳۴). با توجه به روش تحلیل بازیگر نمودار کنشگران اصلی دخیل در بحران یمن را به صورت ذیل ترسیم می‌شود.

نمودار ۲. دسته‌بندی بازیگران



۳. ارزیابی خبرگانی بازیگران کلیدی در بحران یمن

در تشریح مدل سناریوهای نوع منطق از جنس هنجاری، شناسایی ذینفعان از طریق دو روش گروه‌های کانونی بحران و مصاحبه نیمه ساختاریافته، تمایز و دسته‌بندی ذینفعان از طریق دسته‌بندی تحلیلی بالا به پائین (ماتریس منافع - تأثیر) و بررسی روابط بین ذینفعان از طریق ماتریس‌های بازیگر-پیوند انجام شده است. برای شناسایی بازیگران درگیر در بحران یمن ابتدا از طریق روش گروه‌های بحرانی، واقعیت‌های موجود و طرف‌های درگیر در بحران یمن شناسایی شدند، سپس با تنظیم مصاحبه خبرگانی نیمه ساختاریافته از تعداد ۵ نفر از خبرگان دانشگاهی و

صاحب نظر که دارای تألیفاتی در خصوص بحران بودند درخواست شد تا بازیگران و ذینفعان این بحران را به پژوهشگران اعلام کنند. در مرحله دوم مصاحبه خبرگانی و در قالب یک پرسش خواسته شد روابط بین بازیگران درگیر در این بحران را از طریق روش نمره دهی و میزان همگرایی و واگرایی کنش هر بازیگر این بحران در قالب جدول تنظیم شده اعلام کنند. عدد (۳) نمایانگر بیشترین همگرایی و عدد (۳-) نمایانگر بیشترین واگرایی بازیگران خواهد بود. عدد (۱) کمترین میزان همگرایی، عدد (۲) همگرایی متوسط و عدد (۳) بالاترین میزان همگرایی میان دو بازیگر در مورد بحران را نشان می‌دهد و بالعکس؛ واگرایی بازیگران نیز به صورت منفی توسط خبرگان ارزش گذاری شده است. میانگین نمرات به دست آمده در جدول ذیل نمایش داده شده است.

جدول شماره ۱. میزان واگرایی و همگرایی بازیگران کلیدی بحران یمن

کنشگران	انصارالله	عربستان	ایران	امریکا	چین	روسیه	فرانسه	انگلیس	اسرائیل	امارات
انصارالله	*	-۳	۳	-۳	۱	۱	-۳	-۳	-۳	-۳
عربستان	-۳	*	-۳	۳	۱	-۱	۳	۳	۳	۱
ایران	۳	-۳	*	-۳	۱	۱	-۳	-۳	-۳	-۲
امریکا	-۳	۳	-۳	*	-۱	-۲	۳	۳	۳	۲
چین	۱	۱	۱	-۱	*	۱	-۱	-۱	-۱	-۱
روسیه	۱	-۱	۱	-۲	۲	*	-۲	-۲	۱	-۲
فرانسه	-۳	۳	-۳	۳	-۱	-۲	*	۳	۳	۳
انگلستان	-۳	۳	-۳	۳	-۱	-۲	۳	*	۳	۳
اسرائیل	-۳	۳	-۳	۳	-۱	۱	۳	۳	*	۳
امارات	-۳	۱	-۳	۳	-۱	-۲	۳	۳	۳	*

منبع: نگارندگان

۴. تحلیل بلوک بندی های قدرت در بحران یمن

پس از محاسبه میانگین عددی میزان همگرایی و واگرایی میان بازیگران بحران یمن که توسط خبرگان ارزش گذاری شده است، می توان بلوک های قدرت در بحران را بدین صورت دسته بندی کرد:

۱. محور غربی - عربی و عبری: در این محور بازیگر اصلی بحران عربستان است و سایر بازیگران همانند امریکا، فرانسه، انگلستان، رژیم صهیونیستی نقش پشتیبانی کننده (اطلاعاتی - لجستیکی) از عربستان را به عمل می آورند. اگرچه سایر کشورهای عربی نظیر مصر، کویت و سودان هم در این بحران در کنار سعودی ها هستند، اما نقش آنها در این بحران ذیل بازیگر اصلی تعریف می شود و نقشی همسان کنشگر اصلی بحران را ندارند.

۲. محور مقاومت با مرکزیت انصارالله: بازیگر اصلی این محور جنبش انصارالله است که از سال ۲۰۱۵ توانسته است خود را به‌عنوان کنشگر سیاسی اصلی در معادلات قدرت در داخل یمن تثبیت کند. اگرچه سایر گروه‌های مقاومت در جهان اسلام همانند حزب‌الله لبنان و حشد الشعبی عراق و حتی دولت سوریه در کنار این جنبش قرار گرفته‌اند، اما بیشتر این حمایت‌ها معنوی است. (pregent, 2019). کنشگر اصلی و حامی معنوی انصارالله، ایران بوده و حمایت‌های خود را از انصارالله اعلام داشته است. نقش بازیگرانی همانند چین و روسیه در میانه این بحران قرار دارد. در واقع مواضع این دو بازیگر یک موضع چندگانه است. روسیه راهبرد خود در بحران یمن را مبتنی بر راهبرد عدم دخالت تنظیم کرده است. با این حال مسکو به هر دو طرف درگیر در این مناقشه، سیگنال‌هایی فرستاده که به‌عنوان حمایت از دو طرف تفسیر شده است. روسیه برخلاف کشورهای غربی و عربی، سفارتخانه خود را به عدن انتقال نداد و همچنان در صنعا که تحت تسلط انصارالله بود، به فعالیت پرداخت. همچنین روسیه به انتقاد از ائتلاف شکل‌گرفته پرداخت و سعی کرد از طریق شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه‌ای را جهت پایان بخشیدن به این حملات تصویب کند که البته با شکست مواجه شد. با وجود نقش نسبتاً خنثی چین در تحولات یمن، نمی‌توان گفت که پکن منافع خود را در آینده این کشور از یاد برده است. در عین حال این دو کشور میزبان هیئت‌های دیپلماتیک طرف‌های اصلی بحران - یعنی انصارالله و سعودی‌ها- هستند و سعی دارند رابطه متوازن خود با دو طرف را حفظ کنند.

۵. تجزیه و تحلیل نقش بازیگران بحران یمن

کنشگران زیادی در بحران یمن نقش‌آفرین هستند که در ادامه نقش و جایگاه هریک از این بازیگران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. انصارالله

نیروهای انصارالله^۱ تحت رهبری عبدالمالک بدرالدین حوثی اداره می‌شوند. این گروه در سابق صرفاً یک اقلیت مذهبی بود، اما با تحرکات این گروه و کنترل آنها بر شمال یمن خواستار کسب سهم بیشتری از قدرت سیاسی در کشور هستند در حال حاضر جنبش شیعی حوثی خواهان بازگشت حقوق از دست‌رفته شیعیان، استقلال و عدم وابستگی یمن به غرب و کشورهای منطقه و دفع حملات خارجی هستند. از عوامل خارجی نقش‌آفرین در عرض‌انداز جنبش نیز می‌توان به نفوذ امریکا در یمن توجه داشت که به بهانه مبارزه با تروریسم حضور خود را توجیه می‌کند (مسعودینا و توسلی، ۱۳۹۱: ۱۳۳). البته امریکایی‌ها نیز نگرانی زیادی از این گروه دارند. باراک اوباما در مورد حوثی‌های یمن این‌گونه گفته که: «حوثی‌ها گروه‌های شبه‌نظامی تندرو

1. Houthi Rebels (Abdul-Malik Badreddin al-Houthi)

هستند که سزاوار هیچ نعمتی نیستند» (Oakford And Salisbury, 2018). در کنار این عوامل مبانی اندیشه سیاسی زیدیه در تداوم این جنبش نقش مؤثری ایفا کرده است. علاوه بر این فقر اقتصادی که در مناطق زیدیه نشین در یمن مشاهده می‌شود تأثیر زیادی در نارضایتی این جنبش ایفا کرده است (مسعودنیا و توسلی، ۱۳۹۱: ۱۴۰). نبردهای اخیر در یمن منجر به تقویت بیش‌ازپیش موضع این گروه شده است، زیرا خود را به‌عنوان گروهی قوی در ساختار سیاسی یمن مطرح کرده است. این گروه به‌شدت در مقابل حملات خارجی مقاومت کرده‌اند و نشان دادند که خواستار تسلیم در برابر ائتلاف مهاجم نمی‌باشند. در همین رابطه محمد عبدالسلام سخنگوی جنبش انصارالله یمن در دیدار با رهبر انقلاب اسلامی ایران می‌گوید: «مردم یمن که در شرایط بسیار سختی بسر می‌برند با دست خالی، اما با ایمان و ثبات قدم در مقابل تجاوز هفده دولت ایستاده‌اند و به شما قول می‌دهیم که ملت یمن منسجم و همچونید واحد به استقامت و ایستادگی خود در مقابل تجاوز ظلم، تا پیروزی کامل ادامه خواهند داد» (دیدار سخنگوی جنبش انصارالله یمن و هیئت همراه با رهبر انقلاب، ۱۳۹۸).

۵-۲. عربستان سعودی

به‌طورکلی اهداف مبنایی و اصلی عربستان جهت حمله به یمن عبارت‌اند از:

۵-۲-۱. تسلط بر برخی مناطق راهبردی یمن

تأمل در رفتار سیاسی عربستان سعودی در طول سالیان گذشته از یک‌سو و نگرانی از تهدیدهای ایران مبنی بر مسدودسازی تنگه راهبردی هرمز که بخش اعظم انرژی عربستان از این تنگه به بازارهای جهانی صادر می‌شود، منجر به این شده که ریاض در تلاش جهت پیدا کردن مسیرهای جدیدی برای صادرات انرژی به بازارهای جهانی باشد. این کشور تصرف استان‌های حضرموت و المهیره را برای خود راهبردی قلمداد می‌کند، زیرا تصرف این استان‌ها می‌تواند انحصار جغرافیایی این کشور مبنی بر عدم دسترسی به آب‌های آزاد دریای عرب و خلیج عدن را شکسته و با دسترسی به بندر مکلا و نشطون موقعیت ویژه‌ای جهت دسترسی به کریدورهای واردات و صادرات کالا پیدا کند. هرچند عربستان در حضرموت از طریق تطمیع روسای قبایل و حمایت تسلیحاتی از القاعده توانسته حمایت قشر گسترده‌ای از ساکنان این استان را کسب کند، منتها مردم استان المهیره در برابر سیاست‌های ریاض مقاومت کرده و آنها را به‌مثابه یک «قدرت اشغالگر»^۱ قلمداد می‌کنند که درصدد تسلط بر این استان راهبردی و منابع طبیعی گسترده‌اش هستند (Nagi, 2019: 53). مضاف اینکه عربستان قصد دارد با احداث یک پایگاه نظامی در جزیره راهبردی میون با قابلیت اشراف بر تنگه باب‌المندب، تحرکات نظامی جدیدی را علیه کشورهای این حوزه و از جمله یمن صورت دهد و مضاف اینکه نقش راهبردی و تعیین‌کنندگی

1. occupation power

این کشور در حوزه دریای سرخ به نحو چشمگیری افزایش پیدا می‌کند (Mehrabi, 2019: 3). درخور توجه است که جزیره میون حکم جزیره قشم در ایران و تنگه هرمز را دارد. از این رو کنترل این جزیره منجر به تسلط عربستان بر یکی از گلوگاه‌های حیاتی دنیا خواهد شد.

۵-۲-۲. کاهش نفوذ شیعیان حوثی و جریان‌ات نزدیک به ایران

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، ایران و عربستان دو نوع رقابت گفتمانی (نحوه خوانش از اسلام) و رقابت موقعیتی (ایفای نقش برتر در منطقه) را به نمایش گذاشته‌اند. برابری نسبی قدرت، محظورات امنیتی و متقارن بودن حوزه‌های نفوذ ایران و عربستان باعث شده تا بدون مداخله و جنگ مستقیم با راهبرد تهدید علیه تهدید^۱ از عناصر خود در منطقه به‌عنوان اهرم کنترل و موازنه بهره‌گیری کنند (حق شناس و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴). از این رو به دلیل اینکه عربستان سردمدار جبهه محافظه‌کار در منطقه خاورمیانه و ایران نیز پرچم‌دار مبارزه با نظام سلطه یعنی امریکا است، هر دو کشور بعد از انقلاب اسلامی ایران به صورت مکرر وارد حوزه‌های نفوذ و حیاط خلوت یکدیگر شده‌اند. حوزه یمن یکی از مناطقی است که طرفین در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند. این تعارض سیاسی سبب شده تا نگرانی عربستان از برهم خوردن توازن قوا به نفع ایران و مقاومت اسلامی، یکی از دلایل اصلی حمله به کشور یمن تلقی شود (صادقی و لطفی، ۱۳۹۶: ۶۲). مقامات عربستانی ایران را به یک مار تشبیه می‌کنند که هرازگاهی در برخی مواقع سر از حیاط خلوت این کشور بیرون می‌آورد (belensoage, 2018: 13). از منظر عربستان حمایت ایران از گروه‌های مقاومت ضمن افزایش نقش منطقه‌ای ایران، باعث می‌شود که آن کشور مجبور شود در حیاط خلوت خودش با ایران مقابله کند. بر طبق اسناد منتشره شده توسط ویکی لیکس، ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی با ترغیب امریکا جهت حمله نظامی به ایران، بارها خواهان قطع سر مار شده بود (حق شناس و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸). به همین خاطر است که اندیشکده صهیونیستی مؤسسه مطالعات امنیت ملی توضیح می‌دهد که: «جهان عرب گرفتار ضعف‌ها و مشکلات داخلی خود است و نمی‌تواند مقابل تهدید ایران کاری انجام دهد. امروز، هیچ عنصری در منطقه وجود ندارد که بتواند مقابل ایران سدی باشد یا توازنی مقابل قدرت این کشور ایجاد کند. اگرچه عربستان نشان داده که مصمم است تا با فعالیت‌های منطقه‌ای ایران مقابله کند، اما تلاش‌های سعودی‌ها عمدتاً محدود به یمن و بحرین است که نفوذ ایران در آن‌ها به‌شدت ریاض را به چالش کشیده است» (Kam, 2018: 9).

۵-۳. جمهوری اسلامی ایران

ایران از زمره بازیگران کلیدی است که فارغ از مسائل ایدئولوژیکی و گفتمانی اهداف و منافع زیادی در یمن دارد. در همین رابطه می‌توان به تحدید جایگاه و نقش عربستان سعودی در ابعاد

منطقه‌ای و تغییر نگرش کلی مردم یمن در قبال سیاست‌های محافظه‌کارانه و جانب‌دارانه آل سعود و متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن اشاره کرد که این روند، به‌ویژه با ورود گروه‌های خارج از هرم پیشین قدرت از جمله انصار الله، تقویت خواهد شد. در نگاه ایران، یمن یک وزنه تعادل در دریای سرخ در برابر خلیج فارس محسوب می‌شود (خضری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۲ - ۱۸۴). از منظر مقامات ایران هرگونه فشار بیشتر ائتلاف سعودی بر شیعیان یمنی باعث قربت و گرایش بیش‌ازپیش آن‌ها به تهران می‌شود (امیری و کیانی، ۱۳۹۶: ۴۸). در حقیقت، پیشروی‌های معترضان یمنی به رهبری شیعیان الحوثی و جنبش انصار الله، بار دیگر پیروزی گفتمان مقاومت را در منطقه اثبات کرد، به‌ویژه آنکه انصارالله نمونه مشابهی از جنبش حزب‌الله لبنان قلمداد می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، در صورت پیروزی کامل و تسلط انصارالله بر یمن ضلع چهارم جبهه مقاومت در منطقه شکل می‌گیرد و این امر به معنی توسعه عمق راهبردی ایران در منطقه و محاصره عربستان توسط شیعیان است (هاشمی‌نسب، ۱۳۸۸: ۲۹۱ - ۲۹۰).

درخور توجه است که گسترش نفوذ جنبش انصارالله در یمن و تسلط بر تنگه استراتژیک باب‌المنندب، به‌مثابه یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی در جهان و رگ حیاتی کشتی‌رانی در کانال سوئز، در کنار تسلط بر بندر الحدیده می‌تواند حاکمیت متحدان منطقه‌ای ایران را تقویت کرده و تردد دریایی از کانال سوئز و خلیج فارس را تحت کنترل خود قرار دهد. محقق شدن این مسئله چشم‌اندازی هشداردهنده برای رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران است (حیدری و شیخ‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۰). دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا نیز می‌گوید: «ما نیروی نظامی عراق را که سال‌ها با ایران درگیری داشتند و هیچ‌کدام در این جنگ به پیروزی نمی‌رسیدند نابود کردیم و با این کار عراق را به‌عنوان دومین دارنده ذخایر نفت جهان به ایرانی‌ها دادیم. حالا ایرانی‌ها رفتند سراغ یمن و سوریه، آن‌ها سوریه و یمن را هم گرفته‌اند و اگر به مرزهای یمن نگاه کنید می‌بینید که آن‌ها در واقع عربستان سعودی را می‌خواهند. آن‌ها عربستان را می‌خواهند آن‌ها عراق را، سوریه را، یمن را، همه‌چیز را می‌خواهند. آن‌ها می‌خواهد به یک هیولا تبدیل شوند و رهبری احمقانه آمریکا این فرصت را برای آن‌ها فراهم کرد» (سعیدی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۲۳). باوجوداین ایران با هدف جلوگیری از کشتار مسلمانان در یمن و مقابله با ائتلاف مهاجم در سطوح خرد و کلان حمایت جدی و غیرمستقیم خود از انصارالله را تداوم بخشیده است.

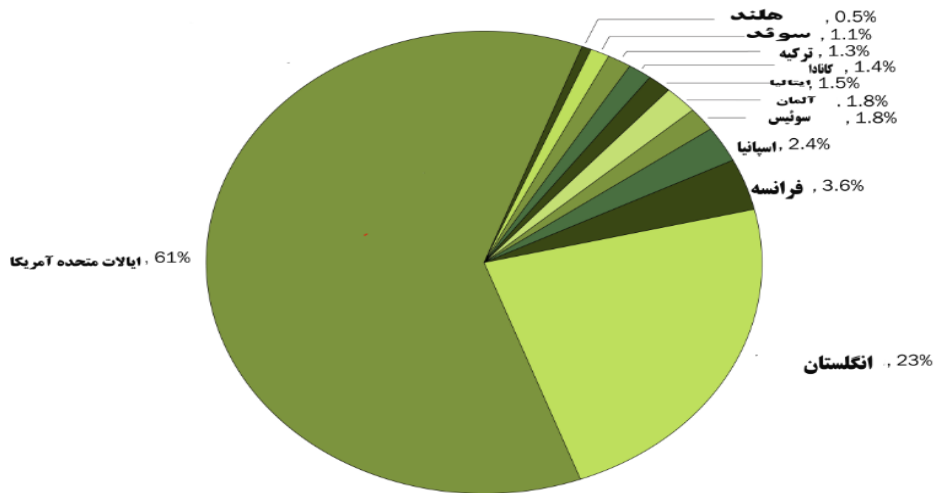
۵-۴. ایالات متحده آمریکا

دولت‌مردان آمریکایی نسبت به این مسئله آگاهی دارند که از دست دادن یمن برای آن‌ها به معنی ناامن شدن عربستان، خلیج فارس و مقوله امنیت ترانزیت انرژی و در یک کلام از دست دادن منطقه راهبردی غرب آسیا خواهد بود (زواری، ۱۳۹۶: ۳). رفتار آمریکایی‌ها در خصوص حمایت غیرمشروع از متحدان خود مسبوق به سابقه است. هم‌اکنون آمریکا دارای ۷۵ افسر آموزش‌دهنده نیروهای ویژه در یمن بوده و شمار نامشخصی از نیروهای عملیاتی سازمان اطلاعات مرکزی نیز

در آنجا حضور دارند؛ این نیروها درعین حال دارای همکاری نزدیکی با نیروهای ویژه انگلستان و افسران اطلاعاتی آن و نیز شبکه جاسوسی عربستان در این کشور هستند (Schmitt, 2019: 1-10). در همین رابطه ساموئل آکفورد و پیتر سالیسبوری^۱ در مقاله‌ای با عنوان یمن، قبرستان دکترین اوپاما^۲ می‌گویند: «همه بمب‌هایی که امریکا در اختیار عربستان سعودی قرار داده است، بر سر غیرنظامیان و حوثی‌ها در یمن ریخته می‌شود (Oakford And Salisbury, 2018). یکی از راهبردهای امریکایی‌ها در جنگ یمن توقف حملات ادواری علیه القاعده و در وهله بعد ارائه کمک‌های مالی و تسلیحاتی با آنها بود. به همین خاطر با شبه‌نظامیان القاعده ارتباط برقرار کرده است. در همین رابطه طارق الفضلی^۳، یکی از نیروهای جهادی سابق که قبلاً توسط اسامه بن لادن رهبر القاعده آموزش دیده بود می‌گوید: «من با مقامات سفارت ایالات متحده و در ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی در تماس بوده و آنها را نسبت به خطرات و مسائل یمن - در ناحیه جنوب - آگاه می‌کردم» (alaraby, 2018). بر اساس گزارش‌های فرماندهی مرکزی ایالات متحده امریکا، این کشور تنها در طی سه سال ابتدایی جنگ بیش از ۴۰ میلیون پوند صرف سوخت‌رسانی به جنگنده‌های سعودی کرده است. ژنرال لوید آستین^۴ فرمانده مرکز فرماندهی ایالات متحده امریکا در همین رابطه می‌گوید: «ما به سوخت‌گیری جت‌های عربستان سعودی ادامه می‌دهیم و اگر عربستان از جت‌های بیشتری استفاده کند ما سوخت بیشتری را فراهم خواهیم کرد» (Oakford And Salisbury, 2018). به‌رغم تظاهر دولت امریکا به تشکیل اتحاد واقعی با عربستان سعودی باید بیان داشت که این ائتلاف اهرمی واقعی جهت فروش تسلیحات، اجرای نقش‌های خود در منطقه، حفظ امنیت رژیم صهیونیستی، مدیریت هرج و مرج در منطقه با همکاری یک متحد منطقه‌ای با هدف کاهش حساسیت افکار عمومی منطقه‌ای و جهانی است. یکی از عوامل اصلی رونق کمپانی‌های اسلحه‌سازی در دنیا بحران آفرین و جنگ‌های فرسایشی در منطقه غرب آسیا است. از این نظرگاه به میزانی که جنگ در یمن تداوم پیدا کند به همان میزان منافع اقتصادی حاصل از فروش تسلیحات برای کشورهای غربی افزایش پیدا می‌کند. نمودار ذیل میزان تجارت تسلیحات ۱۱ کشور دنیا به عربستان را بین سال‌های ۲۰۱۳ - ۲۰۱۸ نشان می‌دهد.

-
1. Samuel Oakford And Peter Salisbury
 2. Yemen: The Graveyard Of The Obama Doctrine
 3. Tarek al-Fadhli
 4. Lloyd Austin

نمودار ۳. بزرگ‌ترین صادرکننده‌های تسلیحات به عربستان (۲۰۱۳ - ۲۰۱۸).
بزرگ‌ترین صادرکننده‌های تسلیحات به عربستان سعودی ۲۰۱۳-۲۰۱۸



Source: Www.Sipiri.Org,2018

۵-۵. امارات متحده عربی

در چند سال گذشته امارات متحده عربی بعد از عربستان دومین بازیگر خارجی مهم در ائتلاف عربی علیه یمن بوده است و بیش از اینکه مسائل ایدئولوژیکی بستر مداخله این کشور را فراهم ساخته باشد، نقش آفرینی امارات را باید در سپهر چشمداشت راهبردی با هدف تسلط بر مناطقی از جمله عدن و جزایر جنوبی و نگرانی از تسلط عربستان بر این مناطق راهبردی کنکاش کرد. اشغال جزیره سقطری یا سوکوترا^۱ از سوی دولت امارات یکی از رخدادهایی بود که در میانه وضعیت بحرانی کشور یمن اتفاق افتاد و برخلاف تصورات دولت مردان اماراتی بازتاب زیادی در سطح سیاسی و رسانه‌ای منطقه و حتی جهان به همراه داشت. پس از محاصره سقطری در تاریخ ۲ می ۲۰۱۸، جنگنده‌ها و تانک‌های این کشور به همراه بیش از ۵۰ سرباز وارد جزیره سقطری شدند و بر گذرگاه‌ها، فرودگاه و بندر اصلی آن تسلط پیدا کردند و کارمندان این بخش‌ها را وادار به ترک سریع از مسئولیت خود کردند (الوقت، ۱۳۹۷). تسلط بر بندر راهبردی عدن از زمره دیگر اهداف امارات است، زیرا عدن می‌تواند به‌عنوان یک پایگاه تجاری قوی، ترمینال نفتی و پایگاه نظامی برای امارات منافع زیادی در پی داشته باشد (Ardemagni, 2019: 15). در همین رابطه صالح علی الصماد^۲ رئیس شورای سیاسی جنبش انصارالله می‌گوید: «امارات به دنبال آن بود که

1. Socotra
2. Saleh Ali al-Sammad

عدن را به مرکز درگیری مبدل سازد، زیرا استقرار وضعیت امنیتی در عدن برای امارات مسئله مرگ و زندگی است از آن رو که امارات طی سالیان گذشته بسیار کوشیده است که با استفاده از افراد با نفوذ داخلی، فعالیت‌های اقتصادی بندر عدن را کاهش دهد» (Abdullah, 2018: 4). در کنار چشمداشت‌های تاریخی امارات به کشور یمن به نظر می‌رسد یکی از دلایل ورود امارات متحده عربی به جنگ یمن ایجاد مانع مقابل عربستان سعودی است؛ تا آن‌ها بر یمن سیطره پیدا نکنند و امارات نیز بتواند نفوذ خود در یمن تثبیت کند. مقامات امارات واقف هستند که سیطره عربستان بر یمن منافع اقتصادی آن‌ها را تهدید می‌کند و از اهمیت موقعیت راهبردی یمن نیز آگاه هستند، زیرا یمن از یک طرف به اقیانوس هند و از سوی دیگر به دریای سرخ مشرف است. تحقق منافع اقتصادی عربستان در یمن، افزایش سیطره سعودی‌ها در شورای همکاری خلیج فارس و کنار زدن اماراتی‌ها تنها نگرانی مسئولان امارت نیست، بلکه اماراتی‌ها از اجرای طرح سعودی‌ها مبنی بر متصل کردن دو قاره آسیا و آفریقا به هم بر اساس طرح شهر نور از طریق یک پل نیز نگران هستند. ساخت این پل به معنی است که بندر دبی اهمیت اقتصادی خود را از دست می‌دهد و در نتیجه امارات در یکی از بزرگ‌ترین پایه‌های اقتصادی خود متحمل خسارت زیادی می‌شود. در مقابل عربستان نیز بر میدان‌های نفتی یمن مخصوصاً میدان نفتی واعد که وسعت آن از استان جوف شروع و به صحرای الربع الخالی می‌رسد، سیطره می‌یابد و در این صورت می‌تواند، تولیدات نفتی زیادی داشته باشد و نفت خود را از طریق دریای عرب به جای تنگه هرمز صادر کند (Abdullah, 2016). از این رو یک جنبه برجسته از تداوم بحران یمن و گسترش تنش‌ها به تحرکات امارات در جنوب یمن و استان عدن برمی‌گردد، تحرکاتی که با سرعت زیادی از اهداف ائتلاف عربستان در یمن، برای مقابله با ارتش این کشور و جنبش انصارالله فاصله گرفته و اکنون به نظر می‌رسد وارد مرحله رویارویی غیرمستقیم نیز شده است. اماراتی‌ها قبل از اعلام خروج نیروهای نیابتی خود یا به صورت ویژه شورای انتقالی جنوب^۱ با رهبری عیدروس الزبیدی^۲ را تقویت کرده‌اند و اکنون این شورا با دریافت تسلیحات و پول به صیانت از منافع امارات در عدن پرداخته‌اند.

۵-۶. اسرائیل

مداخله در یمن در نهایت به این منجر شد که در اثر تحولات عربی که از سال ۲۰۱۱ آغاز شد، دیگر نمی‌توان فلسطینی‌ها را بزرگ‌ترین جمعیت آواره جهان نامید، بلکه این یمنی‌ها و سوری‌ها هستند که بزرگ‌ترین جمعیت آواره جهان را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، اکنون اصطلاحاتی نظیر رژیم کودک کش، اشغالگر و ناقض حقوق بشر تنها صرفاً به رژیم اسرائیل اطلاق نمی‌شود و کشورهای نظیر عربستان سعودی و امارات نیز در کنار این رژیم قرار می‌گیرند (عمادی، ۱۳۹۶:

1. Southern Transitional Council
2. Aidarus al-Zoubaidi

(۲۴). در حقیقت اسرائیل از همسویی با عربستان در جنگ علیه یمن، دو هدف عمده را دنبال می‌کند: اول، مشروعیت یافتن رژیم اسرائیل در جهان عرب و دوم، تلاش اسرائیل برای تطهیر خود (صادقی و لطفی، ۱۳۹۶: ۶۴). از این رو جنگی که عربستان علیه یمن به راه انداخته، در راستای منافع اسرائیل است و فرصتی گران‌بها برای این رژیم فراهم ساخته تا بتواند به اهداف راهبردی و حیاتی خود دست پیدا کند. تسلط انصار الله بر بندر الحدیده به‌عنوان مهم‌ترین بندر دریای سرخ، موجب می‌گردد که این جریان بتواند کنترل دریانوردی در این منطقه را در دست بگیرد. این موضوع بر حراست از کشتی‌های اسرائیلی که از تنگه باب‌المندب عبور می‌کنند، تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، به نفع اسرائیل نیست که کنترل تنگه باب‌المندب در اختیار ایران و متحدان آن قرار بگیرد. در همین رابطه تیری میسان^۱ نویسنده و تحلیلگر فرانسوی در خصوص همکاری عربستان با رژیم صهیونیستی می‌گوید: «اسرائیل همچنین فرماندهی جنگ علیه یمن در عربستان نیست، بلکه در عرب در یمن است و مقر فرماندهی جنگ علیه یمن در عربستان نیست، بلکه در آن سوی باب‌المندب و به دست کسانی است که با بمبافکن‌های سعودی یمن را بمباران می‌کنند؛ بنابراین، سربازان و خلبانان اسرائیلی همکاری تنگاتنگی با رژیم آل سعود دارند و ارتش این کشور را یاری می‌دهند، هرچند که این روابط علنی و رسمی نیستند (عرب سرخی، ۱۳۹۷: ۷۸).

با این اوصاف روشن است که اسرائیل نیز با هدف تضعیف محور مقاومت، با هماهنگی با ایالات متحده در جنگ عربستان علیه یمن به آل سعود کمک می‌کند. همکاری میان این دو در قالب مشارکت جنگنده‌ها و خلبانان و سرویس‌های اطلاعاتی - امنیتی اسرائیل انجام می‌شود. در این راستا محمد بن محمد یک از فرمانده اسکاادران نیروی هوایی سعودی می‌گوید: «من آماده یک حمله دقیق به محلی بودم که می‌توانست یک محموله (نظامی) حوثی‌ها یا یک جشن عروسی باشد؛ چون تشخیص آن از ارتفاع ۳۰ هزار پایی دشوار بود. در همین حال دیدم که یک جنگنده اف-۱۶ با ستاره داوود، حتی بدون اینکه به من علامتی بدهد، راه مرا قطع کرد و اقدام به پرتاب بمب ناپالم روی آن‌ها کرد» (Thunderbolt, 2019). به‌علاوه مواردی از قبیل کشف سلاح‌های اسرائیلی در محل سفارت عربستان در صنعا، کشف بقایای تسلیحات ساخت اسرائیل در مناطق مورد حمله، اعتراف سایت اسرائیلی دیلی به همکاری رژیم صهیونیستی در حملات هوایی عربستان به یمن (Webb, 2017)، گزارش مبسوط گلوبال ریسرچ از مشارکت جنگنده‌های اسرائیلی در حملات عربستان به یمن (Lendman, 2015)، جملگی ناظر بر مشارکت اسرائیل در بحران یمن است.

1. Thierry Meyssan

۵-۷. فدراسیون روسیه

روسیه از جمله کنشگرانی است که نقش آن در تحولات غرب آسیا پس از تحولات سوریه بیشتر گردیده است، اما سیاست این کشور در منطقه غرب آسیا متمرکز بر اتحاد و ائتلاف‌سازی با یک کنشگر یا یک طیف نیست؛ بنابراین، مترصد فرصت مناسب برای برقراری ارتباط اثرگذار منطقه‌ای به صورت موازی و هم‌زمان با تمامی کنشگران است. کنشگری روس‌ها تابع منافع دائمی و پایدار آن‌هاست. این سیاست کرملین در بحران یمن نمود بارزی پیدا کرده است؛ از یکجانب با حوثی‌ها و ایران ارتباط نزدیکی برقرار کرده‌اند و از سوی دیگر با عربستان و امارات مناسبات سیاسی و اقتصادی بالایی دارند. در راستای این راهبرد از یک منظر قطعنامه شورای امنیت علیه ایران و انصارالله را تو می‌کنند و از سوی دیگر با عملیات طوفان قاطعیت مخالفت جدی نکرده‌اند. روسیه ملاحظات ایدئولوژیک را کنار گذاشته و در بحران یمن مداخله نکرده است. به‌رغم هشدارهای اعلانی روسیه به طرفین مبنی بر نتایج فاجعه باری^۱ که بحران می‌تواند در پی داشته باشد، منتها باید گفت که آن‌ها نفع زیادی از فرسایشی شدن بحران یمن می‌برند، زیرا این بحران منجر به اخذ امتیازات بیشتر از عربستان گردیده، و توجهات بین‌المللی از بحران‌های اوکراین و سوریه به سمت یمن انحراف پیدا می‌کند (O'Connor, 2018). به این نکته هم باید توجه داشت که روس‌ها توانایی زیادی جهت تعیین دستور کار تحولات در یمن را به‌مانند سوریه ندارند به‌علاوه در یمن یک نیروی حافظ منافع و نیابتی به نام بشار اسد به چشم نمی‌خورد؛ بنابراین، مداخله گسترده و نظامی در یمن چندان مطلوب این کشور نیست.

۵-۸. چین

چین هم تاکنون نقش قابل توجهی در بحران یمن نداشته است. یکن حامی مذاکرات چندجانبه بوده و از تلاش‌های فرستاده ویژه سازمان ملل برای یمن حمایت می‌کند. با وجود نقش نسبتاً خنثی چین در تحولات یمن، نمی‌توان گفت که یکن منافع خود را در آینده این کشور از یاد برده است. چین که به دنبال احیای مسیر تجاری جاده ابریشم است به خلیج عدن و تنگه باب‌المندب احتیاج دارد. منابع انرژی یمن نیز خود ارزش زیادی برای این کشور دارد. چین پیش از آغاز جنگ داخلی در یمن هم یکی از بزرگ‌ترین خریداران نفت این کشور بود (کوزا، ۱۳۹۵: ۵۸). به نظر می‌رسد که نقش چین در تحولات یمن بیشتر تحت تأثیر نگاه این کشور به گذرگاه راهبردی باب‌المندب و خلیج عدن است و تا زمانی این کشور از اقدام عملی در بحران یمن ممانعت می‌کند که تهدیدی بر مسیرهای عبور و مرور صادرات و واردات کالا و انرژی این کشور از جمله گذرگاه راهبردی باب‌المندب مترتب نباشد. درعین حال آن‌ها به این مسئله نیز آگاهی دارند که تسلط انصارالله بر تنگه راهبردی باب‌المندب خطرات به‌مراتب کمتری برای آن‌ها در

قیاس با تسلط عربستان بر این تنگه را در پی خواهد داشت، زیرا انصارالله متحد راهبردی ایران است و ایرانی‌ها نیز مناسبات خوبی با طرف چینی دارند، اما عربستان متحد راهبردی امریکا است و در مواقعی که جنگ تجاری میان امریکا و چین وارد مراحل حساس خود شود، عربستانی‌ها به نیابت از امریکا عمل می‌کند (Aljamra, 2019: 87). از سوی دیگر چینی‌ها معمولاً دیدگاه مناسبی در خصوص حرکت‌های انقلابی مسلمانان ندارند، زیرا طیف گسترده‌ای از اویغورهای مسلمان در استان سین‌کیانگ در ناحیه غربی چین ساکن هستند. این جمعیت معمولاً از حرکت‌های آزادی‌خواهانه دیگر مسلمانان در اکناف کره خاکی تأثیر می‌پذیرند؛ بنابراین، حرکت یمنی‌ها قابلیت تسری میان جمعیت اویغورها را نیز خواهد داشت. اویغورها با ملاحظه اینکه حوثی‌ها که قادر شده‌اند در مقابل ائتلاف گسترده طوفان قاطعیت با مشارکت طیف گسترده‌ای کنشگران مقاومت کنند، امکان دارد دست به پاره‌ای از عملیات ضدحکومتی بزنند. این مسئله باعث شده که چینی‌ها حتی از موفقیت نهایی انصارالله هم نگران باشند؛ بنابراین، شواهد و رفتار میدانی چین نشانگر این است که سناریوی مطلوب آنها این است که در وهله اول هیچ طرفی پیروز نهایی جنگ نباشد و در گام بعدی دولت فراگیر ملی در یمن برقرار شود. به همین خاطر ژانگ جون^۱ نماینده چین در سازمان ملل در ماه نوامبر ۲۰۱۹ می‌گوید: «چین از همه طرف‌های درگیری و اختلاف دعوت می‌کند که از فرصت‌های به وجود آمده جهت پایان دادن به جنگ استفاده کرده و یک راه‌حل سیاسی پیدا کنند» (trtworld, 2019).

۵-۹. انگلستان

عمده نقش‌آفرینی کشورهای اروپایی در طی بحران یمن بر روی حمایت‌های اطلاعاتی و تسلیحاتی از عربستان سعودی به‌عنوان عامل اصلی ناآرامی‌ها متمرکز بوده است. انگلیس به‌عنوان یکی از متحدان امریکا در حوزه سیاسی و نظامی حمایت‌های فراوانی از عربستان به عمل آورده است. دولت بریتانیا به تمامی قطعنامه‌هایی که شورای امنیت بر ضد مردم و انقلاب یمن تصویب کرده، رأی مثبت داده است. این دولت هم‌چنین از تلاش‌های اتحادیه اروپا برای انجام تحقیق بین‌المللی درباره جنگ یمن، ممانعت به عمل آورده است. انگلیس برای نجات عربستان از بحران یمن، طرح‌ها و پیش‌نویس‌های جانب‌دارانه متعددی ارائه کرده است. در حوزه نظامی حمایت انگلستان از سرکرده ائتلاف، از طریق تجهیز و تسلیح عربستان جنبه عملیاتی به خود گرفته است. انگلیس بیش‌ترین سلاح را بعد از امریکا به عربستان فروخته است. مضاف بر فروش سلاح، شش افسر زبده انگلیسی به جنگنده‌های سعودی در بمباران یمن، جهت داده و کمک می‌کنند. آخرین اقدام لندن در حمایت از ریاض، استقرار ناو پیشرفته نیروی دریایی این کشور در تنگه باب‌المندب بوده است (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۵). تمام بریک‌آسخنگوی امور بین‌الملل

1. Zhang Jun
2. Tom Brick

حزب لیبرال دموکرات انگلیس می گوید: «شرم آور است که دولت بریتانیا نه تنها خلبانان سعودی را مسلح می کند، بلکه آن ها را نیز آموزش می دهد. اکنون شواهد زیادی درباره بمباران بی هدف غیرنظامیان بی گناه^۱ در یمن وجود دارد. دولت بریتانیا باید به شراکت در این جنایت پایان دهد» (Merrick, 2016). بر طبق منابع میدانی از ابتدای بحران یمن تاکنون دست کم ۵ سرباز از نیروهای ویژه انگلستان در بخش های مرزی عربستان و یمن زخمی شده اند. همین مسئله ناظر بر نقش عملیاتی انگلستان در تحولات یمن است (مرکز وسائط انصارالله، ۲۰۱۹). در همین رابطه اندرو میچل نماینده پارلمان و وزیر اسبق توسعه بین الملل دلایل اصلی حمایت این کشور از عربستان را فاش می کند و می گوید: «من خودم هرگز درخواست تحریم تسلیحاتی علیه عربستان سعودی نداده ام. برای اینکه سعودی یک کشور ثروتمند و در محاصره دشمنان است و حق دارد از خودش دفاع کند. من همیشه صریح بوده ام که نمایندگان نباید نظرات اخلاقی (وجدانی) خود را به بهای (بیکاری) صنایع (نظامی) پیش ببرند. این وظیفه کمیته صادرات سلاح است که تصمیم بگیرد آیا سلاح می تواند صادر شود یا نه» (Mitchell, 2017: 132). از این رو انگلیس از زمره کشورهای اصلی تأمین کننده نامتعارف عربستان سعودی است که از سال ۱۳۹۴ تاکنون از سه طریق زمینی، دریایی و هوایی سرکوب مردم بی دفاع یمن را در دستور کار قرار داده است. آلیستر برت معاون وزیر امور خارجه انگلستان ضمن شفاف سازی منافع این کشور، می گوید: «ائتلاف عربی^۵ در یمن به درخواست ما شکل گرفته است، این مسئله به خاطر بازگرداندن دولت قانونی به یمن است که پس از کودتای حوثی ها از قدرت خارج شده است. هر اقدامی که این ائتلاف را تضعیف کند ما را تضعیف کرده است» (Burt, 2017).

۵-۱۰. فرانسه

فرانسه از زمره کشورهای است که به درخواست کشورهای عربی و به ویژه هنگامی که این کشورها در مقابل نیروهای انصارالله دچار استیصال و ضعف شدند، ضمن افزودن بر میزان تسلیحات ارسالی به نیروهای عضو ائتلاف، اقدام به اعزام نیروهای ویژه خوبی جهت نبردهای زمینی علیه مردم یمن کرده است. خلبان های ویژه فرانسه در بمباران های ضد یمنی حضور دارند و در عملیات تصرف بندر الحدیده شرکت فعالی داشتند (Thomas And Irish, 2018).

1. innocent civilians
2. Andrew Mitchell
3. Embargo
4. Alistair Burt
5. Arab Coalition

۶. سناریوهای آینده بحران یمن

به واسطه اینکه یمن از مبانی قدرت ساختاری برای ممانعت از مداخله کنشگران برون مرزی ندارد؛ بنابراین، سرنوشت آن به طرز شگفت‌آوری تابعی از منافع، نوع بازی و سطح کنشگری عوامل پیشران فرامرزی است. پس از بررسی منافع هریک از بازیگران مطرح بحران یمن از برهمکنش منافع هریک از بازیگران و تأثیراتی که می‌توانند بر آینده بحران داشته باشند، تعدادی سناریو مطرح شده است. بحران اخیر این کشور به مثابه یک پیچ تاریخی و با حجم گسترده‌ای از مداخلات عناصر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ذی‌نفع و ذی‌نفوذ از یک‌سو و درهم‌ریختگی حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و عدم وحدت و وجود منازعات بین گروه‌های داخلی، نقش محوری و تعیین‌کننده بر جایگاه این کشور در عرصه معادلات منطقه‌ای بر جای خواهد گذاشت. به‌طورکلی هفت سناریو و وضعیت ذیل را می‌توان برای آینده بحران یمن مطرح ساخت. در جدول زیر سناریوهای هفت‌گانه بحران یمن و نحوه نگاه هریک از بازیگران به آن سناریو تشریح می‌شود.

جدول ۲. موضع بازیگران به سناریوهای مختلف بحران یمن

ردیف	بازیگران	خاتمه جنگ و دولت مرکزی قدرتمند	فدرالیسم	لبنانیزه شدن یمن (توزیع قدرت)	پیروزی انصار الله و ناکامی ائتلاف عبری، عربی و غربی	جنگ ادواری	جنگ فراگیر و تجزیه یمن	تفوق ائتلاف عربی - غربی و شکست انصار الله و نیروهای مردمی
۱	عربستان	نامطلوب	مطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	مطلوب‌تر
۲	ایران	مطلوب	نامطلوب	مطلوب	مطلوب‌تر	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
۳	اسرائیل	نامطلوب	مطلوب	نامطلوب	نامطلوب	مطلوب	مطلوب‌تر	مطلوب
۴	فرانسه	نامطلوب	مطلوب	مطلوب	نامطلوب	مطلوب	مطلوب	نامطلوب
۵	امارات	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	مطلوب‌تر	مطلوب
۶	امریکا	نامطلوب	مطلوب	نامطلوب	نامطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب
۷	روسیه	مطلوب	نامطلوب	مطلوب	مطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
۸	چین	مطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
۹	انصار الله	نامطلوب	نامطلوب	مطلوب	مطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب
۱۰	انگلستان	نامطلوب	مطلوب	مطلوب	نامطلوب	مطلوب	مطلوب	مطلوب

منبع: نگارندگان

۷. تشریح و توسعه سناریوها

۷-۱. سناریوی بحران ادواری

این سناریو^۱ ناظر بر تقسیم قدرت بین نیروهای حوثی و دولت مستعفی عبدربه منصور هادی است، در درون این سناریو مردم یمن شاهد آتش‌بس‌های موقتی و شکننده^۲ خواهند بود که به

1. Scenarios
2. Temporary Ceasefire And Fragile

صورت ادواری توسط طرفین درگیری نقض می‌شود. تحت چنین شرایطی نیروهای امریکایی به دلیل اینکه القاعده و داعش فرصتی جهت گسترش پیدا می‌کنند، هم‌زمان با همکاری با ائتلاف عربستان مواضع این گروه‌های تروریستی را هدف قرار می‌دهند، این مسئله در کنار اینکه بهانه‌ای جهت حضور امریکایی‌ها است، از سوی دیگر جنوب یمن را بیش‌ازپیش بی‌ثبات خواهد ساخت و بنیادگرایی در این کشور را تقویت می‌کند، با امتداد مقاومت انصارالله و نیروهای مردمی ائتلاف عربستان و کشورهای شرکت‌کننده با توجه به ضعف موجود سعی می‌کنند از دامنه حملات خود بکاهند و آتش‌بس با حوثی‌ها را در دستور کار قرار دهند، اما پیش‌شرط اصلی خود را اطمینان‌سازی از جانب حوثی‌ها مبنی بر عدم ارتباط با ایران و مسدود نساختن شریان حیاتی تنگه باب‌المنندب قرار می‌دهند. به دلیل اینکه هرکدام از طرفین به یکدیگر اعتماد کافی ندارند درگیری‌های ادواری بین طرفین صورت می‌گیرد و سپس پایان می‌یابد. این سناریوها به نفع کشورهای نظیر عربستان، رژیم صهیونیستی و علیه مردم یمن خواهد بود، زیرا پس از هر دوره ضعف احتمالی، عقب‌نشینی کرده و پس از تجدیدقوا مجدداً حملات خود را شروع می‌کنند. از سوی دیگر چنین وضعیتی بر ضد مردم یمن است، زیرا پس از پیشرفت‌های موقتی و توسعه بخش‌هایی از کشور، پس از وقوع بحران‌های موقتی دیگر همین زیرساخت‌ها مجدداً تخریب می‌شوند. این سناریو برای محور مقاومت که محوریت آن در این بحران را انصارالله اداره می‌کند نامطلوب خواهد بود و برای کشورهای چین و روسیه هم به علت تزلزل در امنیت دریایی در منطقه باب‌المنندب سناریویی مطلوب نخواهد بود. این سناریو از آن جهت که عربستان در طی یک جنگ فرسایشی و پرهزینه نتوانسته است به اهداف خود دست یابد برای این کشور سناریو نامطلوبی خواهد بود.

۷-۲. خاتمه بحران و تشکیل دولت مرکزی قدرتمند

پدیدار شدن این وضعیت از زمره بهترین حالات ممکن برای محور مقاومت با محوریت انصارالله است. در این سناریو گفت‌وگوهای ملی^۱ و آتش‌بس دائمی^۲ بین عربستان و امارات، نیروهای طرفدار عبدربه منصور هادی با انصارالله برقرار شده است و قدرت‌های خارجی نظیر امریکا، روسیه، چین و شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه‌هایی یگان‌های حافظ صلح را در میان مناطق مورد آتش‌بس پیاده ساخته‌اند، با اصلاح قانون اساسی تمامی احزاب یمنی به غیر از گروه‌های تروریستی نظیر القاعده و داعش نقش حائز اهمیتیتی در فرایند مشارکت قدرت پیدا کرده‌اند و صلحی ثابت و پایدار در کشور برقرار شده است. این جنگ قدرت نرم عربستان را در منطقه بسیار کاهش داده است و هزینه‌های نظامی و انسانی جنگ برای ریاض بسیار افزایش یافته است؛ بنابراین، عربستان احتمال دارد با هدف نجات از باتلاق یمن به دنبال پایان جنگ

1. National Dialogue
2. Ceasefire Permanent

باشد. از این رو عربستان سعودی، امریکا و شورای همکار خلیج فارس از حملات هوایی علیه حوثی‌ها خودداری می‌کنند، روند بازسازی بخش‌های آسیب‌دیده کشور شروع شده خواهد شد و دولت فراگیر ملی با کمک‌های خارجی در صدد رفع مشکلات اقتصادی و به‌ویژه بخش درمان را در دستور کار جدی قرار خواهند داد. مطلوب‌ترین سناریویی که می‌تواند افزایش نقش و نفوذ ایران را در پی داشته باشد و خواسته ملی‌گرایان یمنی را نیز تأمین کند پایان جنگ داخلی در این کشور و تشکیل حکومت مرکزی قدرتمند است. این سیستم در صورتی امکان تحقق پیدا می‌کند که طرفین درگیر در جنگ داخلی از وضعیت موجود خسته شده و نوعی بن‌بست حاکم شود، در رهبران عربستان سعودی تغییر و تحولی رخ دهد و رویکرد آن‌ها نسبت به یمن عوض شود (طاهری، ۱۳۹۶: ۵). این سناریو برای عربستان و حامیان آن سناریویی نامطلوب خواهد بود، زیرا در صورت تحقق شرایط این سناریو ناچار خواهند بود کنشگری انصارالله را به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی و قدرتمند بحران یمن به رسمیت بشناسند.

۷-۳. ادامه جنگ و تجزیه یمن

یکی از سناریوهای محتمل در مورد آینده جنگ یمن، تجزیه این کشور است. این سناریو بدترین حالت ممکن^۱ برای کشور یمن است. یمن تا دهه ۹۰ میلادی متحد نبود و دو یمن شمالی و جنوبی وجود داشت. با اتحاد یمن، طرفداران تجزیه یمن همواره به دنبال جدا کردن جنوب یمن بوده‌اند. در شرایط کنونی امارات بزرگ‌ترین حامی این سناریو است. در این سناریو نیروهای حوثی و یگان‌های طرفدار منصور هادی در مذاکرات صلح شکست می‌خورند. آتش‌بسی لوزان^۲ برقرار شده و صلح و ثبات دیگر وجود خارجی ندارد و جنگ فراگیر و همه‌گیری در این کشور فعلیت پیدا کرده است. تنش‌ها ادامه پیدا می‌کنند، القاعده موقعیت خود را در مناطق جنوبی یمن مستحکم می‌سازد. عربستان سعودی و طرفداران منصور هادی با انجام عملیات هوایی و زمینی سعی می‌کنند قدرت رزمی حوثی‌ها و ارتش یمن را تخریب کنند. قحطی آب و عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم نمود عینی یافته است، در نتیجه کمبود آب و همچنین کشتارها و کمبود دارو موجب گسترش بیماری‌های مسری و واگیردار^۳ شده است، بحران پناهندگان به یک مسئله منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است، اما حوثی‌ها همواره در مقابل محور عبری - عربی و غربی ایستادگی کرده و عقب‌نشینی نمی‌کنند. این جریان خواستار مقابله با تجاوز سعودی است و به‌شدت مخالف تجزیه یمن است و بر وحدت و یکپارچگی این کشور تأکید دارد. تحت چنین شرایطی امکان تجزیه یمن به دو بخش شمالی و جنوبی وجود دارد. امارت به دنبال تجزیه یمن

1. gcc
2. worst case scenario
3. shaky ceasefire
4. rapid spread of an epidemic

به دو قسمت یمن شمالی و جنوبی همانند سال‌های دهه ۸۰ میلادی پیش از وحدت دو یمن هستند، زیرا اماراتی‌ها معتقدند با تشکیل یمن جنوبی به دلیل وجود گروه‌های حراک جنوبی و نفوذ آنان در جنوب یمن، می‌توانند منافع خود را کسب کنند. این در حالی است که تجزیه یمن به دو قسمت شمالی و جنوبی، به هیچ‌وجه سناریوی مطلوبی برای سعودی‌ها نیست (فایضی، ۱۳۹۶: ۴)؛ بنابراین، مسئولان امارات بارها در اظهارنظرهای مختلف، لزوم تجزیه یمن را مورد تأکید قرار داده‌اند. به‌طور مثال ضاحی خلفان تمیم^۱ معاون رئیس پلیس و امنیت عمومی دبی، بر جدایی جنوب از شمال یمن تأکید کرده و وحدت یمن را به سبب خون‌های ریخته و جنایت‌های انجام شده، امری شکست‌خورده تلقی کرده است. محمد عبدالسلام^۲ سخنگوی انصارالله در همین رابطه می‌گوید: «طرح کثیف امارات، علاوه بر دخالت مستقیم در ویران کردن یمن، به دنبال تجزیه این کشور و اشغال جزایر آن است» (گلی، ۱۳۹۵: ۱۲). نکته حائز اهمیت آن است که اگرچه دو کشور عربستان و امارات در ظاهر تحت یک ائتلاف واحد قرار دارند، منتها در میانه بحران هر یک به دنبال نیل به منافع خاص خود هستند. عربستان سعودی در این بحران با وجود همه هزینه‌های سنگینی که متحمل شده به دنبال تسلط بر کل کشور یمن است و به هیچ‌روی علاقه‌مند نیست در کنار خود رقیبی همانند امارات در آینده سیاسی این کشور مشاهده کند.

۷-۴. فدرالیسم و تقسیم یمن به نظام اقلیم‌ها

فدرالی شدن یمن، برونداد اصلی کنفرانس گفت‌وگوی ملی یمن در اوایل سال ۲۰۱۴ میلادی است که تقسیم این کشور به شش منطقه فدرالی را پیشنهاد کرده بود. در واقع، از شش اقلیم یمن، دو اقلیم حضرموت و عدن در جنوب و چهار اقلیم سبا، الجند، ازال و تهامه در شمال هستند. به‌ویژه اینکه استان حضرموت می‌تواند مسیر دسترسی عربستان را به آب‌های آزاد بسیار کمتر کند و همچنین لزوم عبور از تنگه باب‌المنذب را کاهش دهد (فایضی، ۱۳۹۶، ص. ۳). در این سناریو درگیری‌های قومی و بدبینی بیشتر قبایل نسبت به یکدیگر و در نتیجه جنگ‌های ادواری گسترش یافته است، نفوذ عربستان سعودی و امارات در یمن توسعه پیدا کرده است و هم‌زمان کاهش نفوذ انصارالله در هرم سیاسی قدرت عینیت یافته است، این مسئله به‌منزله کاهش قدرت ایران در جنوب شبه‌جزیره عربستان است، زیرا انصارالله عملاً بر بخش کوچکی از یمن تسلط دارد تحت چنین شرایطی گروه‌های تروریستی نظیر القاعده و داعش بخش‌هایی بیشتری از یمن را تسخیر کرده و به لحاظ نظامی نیز قدرتمند شده‌اند، امریکا و اسرائیل با فدرالی شدن یمن و چندپاره شدن کانون‌های قدرت در این کشور نفوذ خود را بر تنگه باب‌المنذب و بندرهای جنوبی یمن گسترش می‌دهند. درخور توجه است که میزان چانه‌زنی کنشگران خارجی در این سناریو به این مهم بستگی دارد که متحدان داخلی آنها کدام بخش سرزمینی یمن و چه بندرها و جزایر

1. Dhahi Khalfan Tamim
2. Mohammad Abdul Salam

راهبردی را در طرح فدرالی شدن در اختیار داشته باشند. نتیجه اجرای این طرح نیز تضعیف کامل جریان‌های داخلی یمن و به اصطلاح تبدیل شدن یمن به سرزمین سوخته خواهد بود؛ کشورهای که به مناطق راهبردی یمن چشم دوخته‌اند نفوذ در این کشور را از طریق نظام اقلیم‌ها بهتر و آسان‌تر از مواجه شدن با یمن یکپارچه با نظام مرکزی قدرتمند و ارتش نیرومند قلمداد می‌کنند. سناریوی مطلوب برای سعودی‌ها در یمن را می‌توان در طرح تقسیم یمن به شش فدرال ملاحظه کرد. اجرای این طرح در راستای منافع سعودی‌ها و متحدانشان قرار دارد، زیرا با توجه به اینکه در طرح تقسیم یمن به شش اقلیمی گرایش‌های قومی و قبیله‌ای مبنای تقسیم قرار گرفته است و اختلافات قومی و قبیله‌ای نیز در یمن یک تهدید جدی محسوب می‌شود، دولت مرکزی که در نتیجه این طرح در یمن روی کار آید دولتی ضعیف و وابسته خواهد بود. حوثی‌ها متضرر اصلی در طرح تقسیم یمن به شش اقلیم فدرالی خواهند بود و جنبش جنوب یمن نیز نگران این است که این طرح صرفاً برای بازسازی حاکمیت باشد و به شکل جدی و واقعی نیز اجرا نشود (عمادی، ۱۳۹۴، ص. ۵).

۷-۵. پیروزی انصار الله و ناکامی ائتلاف عبری، عربی و غربی

در این سناریو نیروهای انصار الله به مقاومت خود در مقابل ائتلاف عربی، غربی و عربی ادامه می‌دهند و وضعیت ناشی از تسلیم شدن در مقابل مهاجمین را بسیار وخیم‌تر و ناگوارتر از شرایط فعلی می‌دانند. ائتلاف متجاوز از سر استیصال و در شرایط افزایش هزینه‌های نظامی، اقدام به عقب‌نشینی و پیشنهاد آتش‌بس می‌کنند. شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ای و ارسال نیروهای حافظ صلح و برقراری فضای ممنوعیت منازعه و تنش در سراسر یمن، مسئولیت اصلی صلح را بر عهده خواهد داشت. همچنین این سازمان مقدمات انتخابات آزاد را فراهم می‌کند، مردم یمن با مشارکت آزاد در انتخابات به کاندیداهای مورد نظر خود رأی می‌دهند نهایتاً به دلیل محبوبیت داخلی انصار الله و دفاع این گروه از خاک یمن مردم آن‌ها را به عنوان حکمرانان آینده کشور انتخاب می‌کنند. تسلط انصار الله بر کشور و اتحادی که با ایران دارد قدرت چانه‌زنی ایران را نه تنها در مسائل غرب آسیا و شبه جزیره عربستان افزایش داده است، بلکه قادر است با نفوذی که در دریای سرخ، خلیج عدن و تنگه باب‌المندب دارد از موضع قدرت در چانه‌زنی‌های دیپلماتیک با ابرقدرت‌ها عمل کند. عربستان سعودی با توجه به تجربه جنگ ناموفق گذشته و همچنین قدرت‌گیری انصارالله از به راه انداختن نبردی دیگر امتناع و هراس داشته به همین خاطر سعی در نزدیکی به دولت جدید یمن دارد.

۷-۶. تفوق ائتلاف غربی، عبری و عربی و شکست مقاومت انصار الله و ارتش

در این سناریو نیروهای انصارالله نهایتاً رویه مقاومتی را به کنار نهاده و در مقابل ائتلاف متجاوز تسلیم می‌شوند. عربستان سعودی و امارات برشدت و گستره حملات خود علیه مواضع نیروهای

مقاومت مردمی و جنبش انصارالله می‌افزایند. امریکا میزان حمایت‌های تسلیحاتی خود از عربستان را گسترش داده است. مسیرهای حمایت ایران از انصارالله دچار چالش جدی شده است و از سوی دیگر ایران نیز به واسطه مشکلات اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی قادر به تداوم حمایت از این گروه نشده است. در این میان سازمان ملل متحد جهت جلوگیری از وخامت اوضاع میانجی‌گری می‌کند. کشورهای عربی عضو ائتلاف نیز با پیش‌شرط‌هایی از ادامه حملات جلوگیری می‌کنند. یکی از پیش‌شرط‌های آن‌ها این خواهد بود که دولت منصور هادی مجدداً به پایتخت بازگردد یا اینکه دولت آینده یمن حکومتی سنی متمایل به عربستان، امارات و غرب باشد. مسئله شکست انصارالله تأثیر خود را بر آینده سیاسی این گروه خواهد گذاشت و عملاً در انزوای کامل سیاسی و امنیتی قرار خواهند گرفت و این مسئله فرصتی برای عرض‌اندام آن‌ها در پست‌های سیاسی نخواهد داد. عربستان سعودی و امارات می‌توانند با انعقاد قراردادهایی با دولت جدید، بندرهای مهم یمن همچون عدن و مکلا و جزایری نظیر میون، سقطری، زقر و حنیش را اجاره کنند. عربستان سعودی اقدام به دایر کردن خطوط لوله جدید نفت از استان‌های حضرموت و المهیره به بندر مکلاً و نشطون خواهد کرد و خود را از ارسال بخش اعظم انرژی به بازارهای مصرفی از طریق تنگه هرمز بی‌نیاز می‌کند. به جهت تسلط امارات و عربستان به حوزه جنوبی شبه‌جزیره عربستان و تنگه باب‌المنندب امنیت حمل‌ونقل کالا و انرژی ایران از مبدأ به مقصد و بالعکس در شرایط تهدید قرار خواهد گرفت. با همکاری و هماهنگی عربستان سعودی یگان‌های نظامی اسرائیل در جزیره میون، سقطری، زقر، حنیش و کمران مستقر خواهند شد و این رژیم قادر است امنیت حمل‌ونقل دریایی کشورهایهایی که موجودیت این رژیم را تهدید کند در مواقع لزوم در معرض خطر جدی قرار دهد.

۷-۷. لبنانیزه شدن یمن

لبنانیزه شدن یمن بدیلی جدی، قابل‌اعتنا و جایگزین مناسبی برای جلوگیری از تداوم بحران یا تجزیه یمن است. در بطن این سناریو تفاهم، تشریک‌مساعی و هم‌زیستی قومی، نژادی و مذهبی وجود دارد. ذیل این سناریو یمن یکپارچه باقی‌مانده منتها قدرت سیاسی بین گروه‌های برجسته تقسیم می‌شود. برخی بازیگران تلاش می‌کنند تا سناریویی شبیه‌الگوی رفتاری حزب‌الله در لبنان را برای یمن اجرایی و نهادینه سازند. به باور برخی در شرایط کنونی اجرایی شدن نوعی سیستم بر مبنای دموکراسی اجماعی که در آن میزان و قدرت هر یک از گروه‌های داخلی در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده باشد، می‌تواند وضعیت مطلوبی برای کشور باشد. در قالب این سیستم ضمن آنکه نوعی سیستم بر مبنای تمرکز اداری در کشور حاکم می‌شود، تقسیم سیاسی قدرت صورت می‌گیرد که بر اساس آن همواره نخست‌وزیر از میان سنی‌ها انتخاب شود و رئیس‌جمهوری یا پست ریاست مجلس در اختیار شیعیان زیدی قرار داشته باشد. تحقق این سناریو و توزیع قدرت در بین بازیگران یمنی گرچه سناریوی مطلوب برای انصارالله و حامیان آن و حتی تعدادی

از کشورهای اروپایی است، اما برای عربستان و امارات سناریویی نامطلوب خواهد بود، زیرا تحقق این سناریو به معنای شکست تمام پروژه‌های و اهداف آن‌ها در این جنگ پرهزینه خواهد بود. وقوع این سناریو به دو دلیل محتمل است؛ دلیل نخست، این است که با توجه به قدرت بسیج عمومی حوثی‌ها، هیچ دولتی اعم از دولت یمن یا بازیگران خارجی نمی‌توانند نقش و جایگاه برجسته حوثی‌ها در ساخت سیاسی یمن را انکار کند. دلیل دوم، این است که حوثی‌های یمن با توجه به ساخت سیاسی و جمعیتی این کشور درصدد این نیستند که قدرت را به‌طور کامل در اختیار بگیرند، زیرا واقف هستند که یمن از نظر ساختار اجتماعی بر محور قبیله‌ای استوار است و قبایل نقش اساسی در ساختار سیاسی این کشور دارند (شیرازی و مظلوم، ۱۳۹۲: ۴۱)، از این منظر قبضه شدن قدرت توسط یک جناح همچون انصارالله منجر به نارضایتی دیگر قبایل خواهد شد.

۸. نتیجه‌گیری

آینده‌پژوهی بحران‌ها بخش مهمی از فرایند مدیریت بحران‌های حادث در مقیاس منطقه‌ای و بین‌المللی است که در سپهر سیاست بین‌الملل و الگوهای منطقه‌گرایی بازیگران ذی‌نفع و ذی‌نفوذ از جمله مسائل اولویت‌دار و راهبردی محسوب می‌شود. شناخت به‌موقع و دقیق جهت بحران و آینده‌های بدیل، کمک زیادی به گروه مدیریت بحران جهت سمت‌دهی به روند حرکت تحولات به سمت سناریوهای مطلوب آنها می‌کند. شناخت وضعیت‌های گوناگون ممکن، محتمل و مطلوب در حوزه آینده بحران‌ها، تصمیم‌سازان را قادر خواهد ساخت تا ضمن کاستن از میزان ابهام و هراس اولیه، تحولات را مدیریت‌پذیر قلمداد کنند و مطابق با آن طرح‌ریزی کنند. به همین خاطر با توجه به اهمیت بحران یمن و تعدد بازیگران نقش‌آفرین و عدم عقب‌نشینی آنها از پیگیری منافع خود، شناخت آینده‌های بدیل بحران حائز اهمیت راهبردی است؛ بنابراین، پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال بود که سناریوهای آینده بحران یمن کدام‌اند؟ در ادامه ذیل فراز اول با استفاده از روش مصاحبه خبرگانی بازیگران اصلی و تأثیرگذار در بحران شناسایی شدند و سپس میزان همگرایی و واگرایی هریک از آن‌ها در خصوص مسئله بحران یمن بر اساس منافع و کنش‌های عملی که تاکنون در این بحران داشته‌اند از نظر خبرگانی ارزش‌گذاری گردید. پس از تجزیه و تحلیل بلوک‌بندی‌های قدرت، منافع هریک از بازیگران به صورت مفصل مورد بررسی قرار گرفت و سناریوهایی برای آینده بحران یمن از منظر بازیگران ترسیم گردید. بررسی‌های اولیه نشان داد که تحولات یمن یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های منطقه غرب آسیاست؛ علت این پیچیدگی در تعدد بازیگران دخیل در بحران و همچنین منافع متعارضی است که هرکدام به دنبال آن هستند. از آنجایی که هریک از بازیگران بر اساس منافع خود به بحران یمن نگاه می‌کنند؛ بنابراین، بحران وضعیت پیچیده‌ای به خود گرفته است. سناریوی بحران ادواری، خاتمه بحران و تشکیل دولت مرکزی قدرتمند، ادامه جنگ و تجزیه یمن، فدرالیسم و تقسیم یمن به نظام اقلیم‌ها،

پیروزی انصارالله و ناکامی ائتلاف عبری، عربی و غربی، تفوق ائتلاف غربی، عبری و عربی و شکست مقاومت انصارالله و ارتش، لبنانیزه شدن یمن وضعیت‌های اصلی است که می‌توان به‌مثابه بدیل‌های آینده تجسم کرد. کنشگران دخیل در بحران به لحاظ تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در سه مقوله کم، متوسط و زیاد قرار می‌گیرند. بازیگرانی که بحران بیشترین تأثیر را بر روی آنها می‌گذارد و کشور یمن اهمیت زیادی برای آنها دارد بیشترین تأثیرپذیری و تأثیرگذاری را در بحران دارند و بالعکس. کنشگران اصلی دخیل در بحران یمن از جمله انصارالله، عربستان، امارات، اسرائیل، امریکا، روسیه، چین، انگلیس و فرانسه هرکدام با توجه به منافع و اهدافی که برای خود مطرح کرده‌اند، یکی از سناریوهای مذکور را برای خود مطلوب/نامطلوب می‌دانند. از همین روی تلاش جملگی کنشگران این است که روند بحران را به سمت سناریوی مطلوب خود جهت‌دهی کنند.

کتابنامه

۱. بوزان باری؛ ویورالی. (۱۳۸۸). *مناطق و قدرت‌ها*. ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.
۲. دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۶). *پیشران‌های نوظهور در نظم و امنیت غرب آسیا*. مجموعه مقالات اولین کنفرانس امنیتی تهران، نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا، جلد سوم، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۳. صالح‌نژاد، حسین (۱۳۹۴). *روش‌های فهم آینده*، گزارش راهبردی. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۴۴۰۷: ۱-۴۷.
۴. عمادی، سیدرضی. (۱۳۹۵). *فدرالی‌شدن یمن؛ مواضع بازیگران و پیامدها*. تهران: اندیشکده راهبردی تبیین، گزارش راهبردی.
۵. فایضی، محمد محسن. (۱۳۹۶). *گزینه‌های پیش روی جنبش حراک در یمن*. تهران: اندیشکده راهبردی تبیین، گزارش راهبردی.
۶. گواهی، عبدالرحیم (۱۳۹۶). *آینده‌نگری در آینده‌پژوهی: تحلیل علی لایه‌ای چالش‌های آینده‌پژوهی در ایران*. فصلنامه *آینده‌پژوهی مدیریت*، ۲۸(۹): ۱۴-۲۴.
۷. مختاری‌هشی، حسن؛ شمس، مجتبی (۱۳۹۶). *تحلیل ژئوپلیتیک بحران یمن*. مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۲(۱): ۱۶۵-۱۹۳.
۸. مسعودنیا، حسین؛ توسلی، حسین (۱۳۹۱). *بازخوانی جنبش شیعی الحوثی در یمن*. فصلنامه *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۱(۳): ۱۴۱-۱۲۵.
۹. ملکی‌فر، عقیل. (۱۳۹۳). *آینده‌پژوهی: دانش توانمند خلق آینده*، در *آینده‌پژوهی: مبانی و رویکردها*. سحر چکاوک، تهران: نشر اندیشکده صنعت و فناوری آصف.

۱۰. هاشمی‌نسب، سعید (۱۳۸۸). نشست بررسی تحولات اخیر یمن. فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، (۲): ۲۸۰ - ۳۰۰.
۱۱. هراتی، محمدجواد (۱۳۹۱). تحولات اخیر خاورمیانه و آینده گفتمان انقلاب اسلامی. فصلنامه سیاست جهانی، (۲)۱: ۲۳۳ - ۲۶۹.

References

1. Abdullah, Khalid (2018), An Armed Man Walks On The Rubble Of Houses Destroyed By An Air Strike Near Sanaa Airport Marce 26, Reuters.
2. Aljamra, Helal (2019), Bab-El-Mandeb, Gateway to the Red Sea: the World's Most Dangerous Strait, available at: <https://insidearabia.com/bab-el-mandeb-gateway-to-the-red-sea-the-worlds-most-dangerous-strait/>
3. Aljamra, Helal (2019), Bab-El-Mandeb, Gateway to the Red Sea: the World's Most Dangerous Strait, available at: <https://insidearabia.com/bab-el-mandeb-gateway-to-the-red-sea-the-worlds-most-dangerous-strait/>
4. Arab Sorkhi, Meysam (1997), The Role of the Zionist Regime in the Developments of Yemen, **Islamic Guards Monthly**, Year 37, No. 437-438. (in Persian)
5. Ardemagni, Eleonora (2019), Two Hadramawts emerge in a fractured Yemen, Middle East Institute, policy paper.
6. Belensoage, ana (2018), Iraq and yemen: the new proxyies?, ieee.es, instituto espanol ae estudios estrategicosm, opinion document.
7. Bell, Wendel (2011), Foundation Of Futures Studies: Human Science For A New Era: Values, Objectivity, And The Good Society, London And New
8. Burton, Madi (2017), Maritime Chokepoints Are Critical To Global Energy Security, Mansfield. Energy, Available At: <https://Mansfield.Energy/Market-News/Maritime-Chokepoints-Critical-Global-Energy-Security/>
9. Chevalier, Jacques and Daniel JBuckles (2008), SAS2: a Guide to Collaborative Inquiry and Social Engagement, Sage Publications.
10. Dinstein, Yoram (2017), War, Aggression And Self-Defence, Cambridge University Press.
11. Emadi, Seyed Razi (2016), The Federalization of Yemen; Positions of Actors and Consequences, Strategic Thinking of Explanation, Strategic Report. (in Persian)
12. Faizi, Mohammad Mohsen (2017), Options for the Progress of the Harak Movement in Yemen, Explanatory Strategic Thinking, Strategic Report. (in Persian)
13. Friedman, Andrew and Samantha Miles (2006), Stakeholders: Theory and Practice, Oxford University Press, Oxford.
14. Haghshenas, Mohammad Reza and the others (2017), Geopolitical Competitions and Relations between Iran and Saudi Arabia: Mechanisms and Strategies, Quarterly **Journal of Political Studies of the Islamic World**, Year 6, No. 22, pp. 1-33. (in Persian)

15. Hashemiansab, Saeed (2009), Yemen Recent Research Meeting, **Regional Research Quarterly**, Volume 2, pp. 280-300. (in Persian)
16. Heidari, Saman and Sheikhezadeh, Mohammad Rasoul (2019), Strategic Presence Requirements Iran in Yemen from a Geopolitical Perspective, *Research of Nations*, No. 41. (in Persian)
17. Hermans, Leon and Wil AH Thissen (2009), Actor analysis methods and their use for public policy analysts, *European Journal of Operational Research*, 196(2), pp808-818.
18. Kam, Ephraim (2018), Iran-Russia-Syria: A Threefold Cord Is Not Quickly Broken, *Institute For National Security Studies*
19. Karoline, Par (2001), *Postel-Vinay; Géographie Et Pouvoir, Critique internationale*, Janvier.
20. Katzman, Kenneth (2011), Bahrain: Unrest, Security, And U.S. Policy, *Congressional Research Service*, 95-1013.
21. Khezri, Ehsan et al (2015), Rooting of Iran-Saudi Arabia Conflicts, *Quarterly Journal of Political and International Research*, No. 23. (in Persian)
22. Malekifar, Aqeel (2014), *Future-Research: Future Knowledge of Creating the Future, Future Research: Fundamentals and Approaches*, Sahar Chakavak, Tehran: Asef Industry and Technology Thought Publishing. (in Persian)
23. Masoudnia, Hossein, Vososoli, Hossein (2012), Re-reading of the Shiite Al-Houthi Movement in Yemen, *Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World*, First Year, No. 3, pp. 141-125. (in Persian)
24. Massoudnia, Hussein and Tavasoli, hossein (2013), *Evaluating of Shia's Movement of al-howzi in Yemen*, Volume 1, Issue 3, pp 125-142 (in Persian)
25. Mehrabi, Mani (2019), Saudi Arabia and the UAE's Proxy-War and the Humanitarian Crisis in Southern Yemen, available at: <https://uwidata.com/5243-saudi-arabia-and-the-uaes-proxy-war-and-the-humanitarian-crisis-in-southern-yemen/>
26. merrick, rob (2016), revealed: the uk is training saudi pilots amid accusations of war crimes in yemen, available at: <https://www.independent.co.uk/news/uk/politics/saudi-arabia-yemen-conflict-bombing-latest-uk-training-pilots-alleged-war-crimes-a7375551.html>
27. Mitchell, Andrew (2017), Yemen, Point Of Order In The House Of Commons At 12:54 Pm On 30th November 2017, Heyworkforyou, Available At: <https://www.theyworkforyou.com/Debates/?Id=2017-11-30a.510.3>
28. Montazran, Javid (1397), Saudi Arabia's Coalition Against Yemen from the Perspective of International Law, *Public Policy Studies Network, Strategic Report*. (in Persian)
29. Mosalla Nejad, Abbas. (2015), Strategic Policy Making in Yemen Security Crisis Management ", *Quarterly Journal of Global Policy Research*, Volume 4, Number 3. (in Persian)
30. Nagi, Ahmed (2019), Oman's Boiling Yemeni Border, *Italian Institute For International Political Studies Website*.

31. O'Tuathail, Dalby (1998), *Rethinking Geopolitics*, London: Routledge.
- Schmitz, Andrea And Alexander, Wolters (2012), *Political Protest In Central Asia: Potentials*
32. pregent, michael (2019), criticism of saudi arabia's role in yemen is unbalanced and favors iran, policy paper, saudi research & publishing company.
33. Reed, Mark and others (2009), Who's in and why? A typology of stakeholder analysis methods for natural resource management. *Journal of environmental management*, 90 (5), 1949/1933.
34. Sabatier, Paul (1988) An advocacy coalition framework of policy change and the role of policy-oriented learning therein, *Policy Sciences* 21, 129-168.
35. Sadeghi, Seyed Shamsuddin and Lotfi, Kamran (2016), Syria's Strategic Position in Russian Military-Security Equations, *Central Asian and Caucasus Studies*, No. 93, pp. 99-122. (in Persian)
36. Taheri, Ebrahim (2017), Future Research of the Political System in Yemen, Institute of Futurology of the Islamic World, Strategic Report. (in Persian)
37. Thunderbolt, Marcus (2018), Israel Joins Saudi Coalition Against Yemen... Uninvited, *Themideastbeast*, Available At: <https://www.themideastbeast.com/israel-joins-saudi-coalition-against-yemen-uninvited/>
38. trtworld (2019), What is China doing in Yemen?, available at: <https://www.trtworld.com/middle-east/what-is-china-doing-in-yemen-32183>
39. trtworld (2019), What is China doing in Yemen?, available at: <https://www.trtworld.com/middle-east/what-is-china-doing-in-yemen-32183>
40. Walter J. (2002), Semester Geographie Kritische Geopolitik Eine engagierte Wissenschaft? Heiko Schmid Geographisches Institut Ruprecht-Karls-Universität Heidelberg.
41. Webb, Whitney (2017), Netanyahu Declares Israel's Readiness To Join Saudi-Led Bloody War On Yemen, *Mintpressnews*, Available At: <https://www.mintpressnews.com/netanyahu-declares-israels-readiness-to-join-saudi-war-on-yemen/246918/>
42. Zawari, Abdul Majid (2017), Alternative Futures of Yemen, Institute of International Relations, Strategic Report.